



ویژگی‌های زیست محیطی خلیج فارس و جایگاه آن در کنوانسیون‌های کویت و حقوق بین الملل دریاها (۱۹۸۲)

دکتر سهراب عسگری

استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام‌نور مرکز اراک

زهره خان محمدی

کارشناس جغرافیا

فرزانه صادقی

کارشناس جغرافیا

چکیده

منطقه خلیج فارس از ۸ کشور کرانه‌ای و یک گستره آبی به وسعت تقریبی ۲۴۰۰۰۰ کیلومتر تشکیل شده است. میزان دست یابی کشورهای ساحلی به آب‌های خلیج فارس البته در میان کشورهای کرانه‌ای یکسان نیست و این مسأله باعث بروز مشکلاتی گردیده که پیامدهای زیست محیطی خطرناکی در پی داشته است. خلیج فارس که در گذشته به دریای پارس مشهور بوده، دارای شرایط خاص زیست محیطی و طبیعی است و با دریاها و گستره‌های آبی دیگر تفاوت‌های زیادی دارد. به دلیل وجود همین تفاوت‌ها در دهه ۱۹۷۰ دفتر محیط زیست سازمان ملل متحد کنوانسیون را به نام کنوانسیون کویت تصویب کرد تا کشورهای ساحلی در حفاظت از محیط زیست این دریا حساس تر از گذشته عمل کنند و در جهت حفظ محیط زیست این دریا تلاش نمایند. در دهه‌های اخیر به دلیل مجموعه فعالیت‌های نامطلوب انسانی در شکل‌های گوناگون محیط زیست خلیج فارس زیان‌ها و خسارت‌های زیادی را محتمل شده است. در نتیجه فعالیت‌های ویرانگر انجام شده اکوسیستم منحصر به فرد این دریاها در حال نابودی است. گستره تخریب‌ها در این دریا بسیار وسیع بوده و انواع فعالیت‌ها را شامل می‌شود. تغییر شکل ساحل توسط برخی از کشورها یکی دیگر از اقداماتی است که در روند تخریب محیط زیست این دریا با سرعت بیشتری ادامه پیدا می‌کند.

این مقاله تلاش کرده ضمن بررسی وضعیت طبیعی و زیست محیطی خلیج فارس، جایگاه آن را در کنوانسیون کویت و کنوانسیون حقوق بین‌الملل دریاهای ۱۹۸۲ سازمان ملل به شکل تحلیلی- علمی مورد بررسی قرار داده و به وظایف کشورهای ساحلی در نگهداری از این دریا اشاره نماید.

واژه‌های کلیدی: خلیج فارس، محیط زیست، کنوانسیون کویت، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای ساحلی، اکوسیستم.

مقدمه

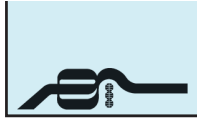
دریاها در مقایسه با خشکی‌ها اگر چه گستره وسیعی را در برمی‌گیرند اما دارای شکنندگی بیشتری به لحاظ زیستی هستند. به دلیل ماهیت فیزیکی آب، آلودگی‌ها در دریاها به سرعت پخش می‌شوند. بویژه دریاهای حاشیه‌ای و نیمه بسته دارای شرایط ویژه‌ای در این زمینه می‌باشند. مهمترین مشکل جغرافیایی دریاهای حاشیه‌ای و نیمه بسته عدم تبادل آب با گستره‌های

آبی اصلی است. به بیان بهتر فعالیت‌های انسانی در کرانه این دریاها دارای بازتاب‌ها و پی‌آمدهای ناخوشایند زیست محیطی است که گستره وسیعی را از تغییر شکل ساحل گرفته تا از بین رفتن اکوسیستم دریایی، در بر می‌گیرد. گسترش آلودگی‌های انسانی در پهنه‌های آبی نتیجه تلاش بشر برای دستیابی برای توسعه است. آسیب دیدگی محیط‌های آبی از میزان توسعه یافتگی کشورها و مناطق پیروی می‌کند. به بیان دیگر کشورهای توسعه یافته در حفظ محیط از سایر کشورها موفق‌تر عمل می‌کنند.

منطقه خلیج فارس مجموعه‌ای از کشورهای در حال توسعه را در برمی‌گیرد که در سال‌های اخیر تلاش‌های زیادی را برای دستیابی به توسعه انجام داده‌اند. حاصل تلاش‌های آنها اثرات زیانباری است که در چهره طبیعت منطقه قابل مشاهده است. همچنین این منطقه از تاریخ پر فراز و نشیبی در طی سال‌های گذشته برخوردار بوده است، جنگ‌های ویرانگر از ویژگی‌های این تاریخ پر فراز و فرود است.

تخریب محیط زیست کره زمین امروزه البته به یک مشکل جهانی تبدیل شده و تداوم تخریب‌ها چشم‌انداز ناخوشایندی پیش روی بشر قرار می‌دهد. اگرچه در کنار تلاش برای پیشرفت، اقداماتی نیز در مقیاس‌های ملی و بین‌المللی جهت حفاظت از محیط کره زمین صورت گرفته و دیدگاه‌هایی چون توسعه پایدار مطرح شده تا شاید بین جریان توسعه صنعتی و محیط زیست یک نوع آشتی معنادار ایجاد شود اما همچنان تخریب‌ها ادامه دارد و روند آنها از قدرت خود ترمیمی طبیعت سریع‌تر است. در حال حاضر هیچ عنصری از کره خاکی از گزند تخریب‌ها در امان نیستند. بویژه سه عنصر بسیار حیاتی آب، خاک و هوا که در این روند آسیب جدی می‌بینند.

در سال‌های اخیر دفتر حفاظت محیط زیست سازمان ملل متحد بیشتر از گذشته وارد مسأله تخریب محیط زیست شده و نشست‌های جهانی با شرکت کشورهای مختلف دنیا برگزار کرده است. ضعف بزرگ این نشست‌ها عدم ضمانت اجرائی مصوبات آنها می‌باشد. چه در دهه‌های گذشته نیز کنوانسیون‌هایی چون کنوانسیون رامسر و کویت جهت حفاظت از گستره‌های طبیعی با شرایط حاد تصویب گردیده بود اما این اقدامات قادر به اصلاح کلی روند توسعه صنعتی نبوده و محیط زیست جهان همچنان با چالش‌های بزرگی روبروست.



طرح مسأله

قرار دارد (مستوفی، ۱۳۴۱: ۴۵).

مطالعات انجام شده در خلیج فارس بیش از شش سطح را نشان می‌دهد که آثار آن در اعماق ۱۸-۹ و ۱۰۰ متری عمق خلیج فارس ردیابی شده‌اند. بر اساس شواهد مورفولوژیکی اثبات گردیده که حداقل ۳ بار خلیج فارس تا مجاورت تنگه هرمز عقب نشینی کرده و خشک شده است. این رخدادها همگی قبل از ۱۷ تا ۲۰ هزار سال پیش اتفاق افتاده است.

خلیج فارس در منطقه گرمسیری و خشک واقع شده است. باد در این دریا به صورت گسترده عمل می‌کند و به عنوان مهمترین عنصر جغرافیایی طبیعی مطرح می‌شود. بارش در خلیج فارس دارای نظم خاصی نیست ولی قسمت‌های شمالی آن نسبت به کرانه‌های جنوبی به مراتب بارش بیشتری را دریافت می‌کنند. آبهایی که به خلیج فارس وارد می‌شوند اغلب شیرین بوده و حاوی مقدار زیادی مواد غذایی برای موجودات آبی هستند. مهمترین ویژگی‌های بوم شناسی خلیج فارس به کم‌عمقی، شوری آب و ارتباط محدود با آب‌های آزاد باعث شده که محیط طبیعی ویژه‌ای بوجود آید. موجودات متنوعی در خلیج فارس زندگی می‌کنند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: قارچ‌ها جلبک‌ها، صدف‌ها، مرجان‌ها، خیارهای دریایی، مارهای دریایی، لاک‌پشت‌ها، کوسه‌ها، انواع ماهی و میگو، پستانداران دریایی و... تنگی گلوگاه هرمز سبب می‌شود که آب‌های آن به کندی تجدید شود. این وضعیت محیطی موجب شده که آبزیان موجود در این پیکره آبی به خاطر فشارهای زیاد دامنه تحملشان نسبت به تغییرات محیطی کم باشد و با ورود آلاینده‌ها در اثر بروز آلودگی‌ها، بشدت آسیب پذیر باشند.

شوری آب این گستره‌ی آبی از متوسط شوری آب‌های جهان بالاتر است و در بخش‌های مرکزی به حدود ۸-۷ درصد می‌رسد. در عین شوری زیاد آب، ۲۰۰ چشمه آب شیرین در کف و ۲۵ چشمه کاملاً شیرین در سواحل این دریا وجود دارند که همگی از کوه‌های زاگرس ایران سرچشمه می‌گیرند، عمده این چشمه‌ها پس از گذر از لایه‌های زیرین خلیج فارس در سواحل بحرین، امارات متحده و قطر به سطح زمین می‌رسند. تعدادی از این چشمه‌ها در بستر جنوبی خلیج فارس قرار دارند.

اروند، مند، دالکی و میناب بزرگترین و پر آب‌ترین رودهایی هستند که به دریای پارس می‌ریزند. خلیج فارس ۱۳۰ جزیره بزرگ و کوچک مسکونی و غیر مسکونی با ساختارهای زمین شناسی متفاوت دارد. بزرگترین جزیره خلیج فارس جزیره قشم است.

ب) جغرافیای تاریخی

نام دریای پارس از کشور پارس (ایران قدیم) گرفته شده است. ایرانیان در روزگار هخامنشی این دریا را پارسا دریا یا دریای پارس می‌خواندند و یونانیان آن را سینوس پرسیکوس نام می‌دادند. پارسا دریای ایرانی بعدها به روم رفت و به گونه‌ی ماره پرسیکوم درآمد. در دوران اسلامی جغرافیا نویسندگان عرب و اسلامی هر دو نام را از دو تمدن باستانی گرفتند و همزمان مورد استفاده قرار دادند. پارسا دریای ایرانی را بحر فارس و سینوس پرسیکوس یونانی را «خلیج فارس» قلمداد کردند. ده‌ها مدرک باستانی عربی و اسلامی در دست است که این تئوری را مستند می‌سازد و از چگونگی

منطقه خلیج فارس با گستره آبی بیش از ۲۰۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع و هشت کشور کرانه به دلیل قرار گرفتن در محیط جغرافیایی ویژه از یک سو و دارا بودن منابع عظیم نفت و گاز از سوی دیگر از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. به بیان دیگر در منطقه خلیج فارس شرایط طبیعی با مسائل انسانی در هم تنیده و باعث پیدایش خصلت‌های خاص برای این منطقه شده است. وجود منابع قابل توجه هیدروکربنی در این منطقه باعث گردیده اقتصادهای بزرگ دنیا به آن نگاه ویژه داشته باشند. اهمیت زیاد این منابع توجه مناسبی برای تدوین و اجرای راهبردهای قدرت‌های بزرگ است که تاکنون به اجرا گذاشته شده‌اند.

به دلیل حاکم بودن شرایط طبیعی متفاوت بر گستره آبی و هم بر خشکی‌ها، این منطقه از ظرفیت خود اصلاحی ضعیفی برخوردار بوده و زخم‌های طبیعی بر پیکره آن باعث نابودی بیشتر زمینه‌های مناسب زندگی می‌گردد. وجود چنین محدودیت‌هایی البته از نگاه متخصصان و سازمان‌های بین‌المللی دور نمانده، برای بهبودی وضعیت زیست محیطی آن تدبیرهایی اندیشیده شده است. اما بالا گرفتن فعالیت‌های انسانی به شکل‌های مختلف حتی تغییر چهره کرانه‌ها باعث گردیده شرایط زیست محیطی خلیج فارس در وضعیت نگران کننده‌ای قرار بگیرد. تدوین مقرراتی ناقص برای حفظ این گستره آبی کارآمد نبوده و از توان لازم برای نگهداری این دریا برخوردار نیست.

روش تحقیق

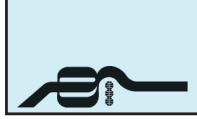
روش تحقیق در این پژوهش مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای است. در ابتدا منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری و سپس مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند. علاوه بر مطالعات و پژوهش‌های پیشین، اسناد در حد کشف هم بررسی و مطالب آنها مورد مطالعه قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق

جغرافیای خلیج فارس الف) جغرافیای طبیعی

خلیج فارس بازمانده گودال بزرگی از دوران سوم زمین شناختی است که تحت تأثیر فشار ناشی از آتشفشان‌های فلات ایران و پایداری فلات عربستان در برابر این واکنش‌های تکتونیکی ایجاد شده و ژرفای آن گسترش یافته است. خلیج فارس یا دریای پارس در ۲۴ تا ۳۰ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ تا ۵۶ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی قرار دارد و از شرق از طریق تنگه هرمز و دریای عمان به اقیانوس هند راه دارد و از غرب به رودخانه اروند رود در خوزستان ایران که حاصل پیوند دو رودخانه دجله و فرات در عراق و الحاق رود کارون در ایران به آن است ختم می‌شود.

طول دریای پارس از تنگه هرمز تا آخرین نقطه پیشروی آن در جانب مغرب حدود ۸۰۵ کیلومتر است. از نظر ریخت شناسی، دریای پارس نامتقارن و شیب ساحل جنوبی آن آرام‌تر از ساحل شمالی است. تمامی دریا روی نوعی فلات قاره یعنی دنباله و امتداد جلگه‌های اطراف فلات ایران



است. حرکت جمعی کشورهای منطقه خلیج فارس برای حل مسئله مورد اختلاف بسیار کند می‌باشد و وجود این مسئله می‌تواند فضای سیاسی حاکم بر این منطقه را تحت تأثیر قرار بدهد. مرز در خشکی نیز از مباحث عمده در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس می‌باشد. مدل امنیتی قابل قبولی در این منطقه شکل نگرفته و مدل‌های امنیتی موجود عمدتاً بیرونی بوده و بدون توجه به آمیزه‌های بومی و منطقه‌ای شکل گرفته‌اند. همین مسأله از زمینه‌های پرچالش در روابط بین‌المللی در منطقه محسوب می‌شود.

ویژگی‌های ژئوپلیتیکی

خلیج فارس به علت وجود ذخایر عظیم نفت و گاز و گذرگاه تنگه هرمز و نیاز جهان صنعتی به این ذخایر از موقعیت ژئوپلیتیکی مهمی در عرصه بین‌الملل برخوردار است.

خلیج فارس به علت داشتن معادن و ذخایر عظیم نفت و میدان‌های بزرگ گازی به بزرگترین مخزن انرژی جهان تبدیل شده است. میدان گازی پارس جنوبی بزرگترین میدان گازی جهان و میدان نفتی از السفاینه بزرگترین میدان نفتی دریایی جهان که در خلیج فارس قرار دارند. براساس تخمین‌های موجود منطقه خلیج فارس دارای بیش از ۶۵ درصد ذخایر نفت و ۳۸ درصد گاز طبیعی است. سهم این منطقه در تولید جهانی نفت به مرور در حال افزایش است. بر اساس مطالعات انجام شده پیش بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ اقتضای جهانی نفت به ۱۱۱/۵ میلیون بشکه در روز برسد که در آن صورت سهم منطقه خلیج فارس افزایش یافته و به ۴۹/۸ میلیون بشکه در روز خواهد رسید (Cordsman, 1994:42).

یکی از نقاط حساس و با اهمیت خلیج فارس تنگه هرمز است. تنگه هرمز یکی از ۱۱ تنگه مهم دنیا است که برای قدرت‌های بزرگ جهانی از اهمیت اقتصادی و راهبردی بسیار برخوردار است. تنگه هرمز به عنوان مهمترین گذرگاه انتقال انرژی جهان محسوب می‌شود.

طول کرانه‌های خلیج فارس ۳۰۰۰ کیلومتر است که بیشترین کرانه را ایران داراست. کرانه‌های ایران از خط تالوگ اروند رود شروع می‌شود و تا تنگه هرمز ادامه پیدا می‌کند. ایران با داشتن ۱۷۲۲ کیلومتر خط ساحلی از بندر عباس تا دهانه اروند، ۵۶/۵ درصد کل طول در کرانه‌های خلیج فارس را در اختیار دارد. کشور عراق کمترین کرانه را در خلیج فارس دارا می‌باشد.

رژیم‌های قلمرویی در خلیج فارس

تأکید بر قلمروهای دریایی و اعمال حاکمیت بر آنها از سوی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس یک موضوع نسبتاً تازه است. برای اولین بار در منطقه خلیج فارس، ایران اقدام به اعمال رژیم قلمرویی در دریای پارس کرد. دولت ایران در ۲۴ تیر ۱۳۱۳ اعلام کرد قلمرو دریایی ایران در خلیج فارس، تنگه هرمز و خلیج عمان، از پست‌ترین حد جزر آب در ساحل تا شش مایل است.

در ۲۸ اسفند ۱۳۲۷ ایران حق خود برای استخراج نفت از فلات قاره را تصویب و آن را بطور رسمی اعلام کرد. طبق مفاد این قانون در صورتی

شمول جغرافیایی این دو نام بر آب‌های خاور زمین نگاره‌ای روشن به دست می‌دهد (مجتهدزاده، ۱۳۸۳: ۷۱-۷۲).

کلیه مورخان و جغرافی‌دانان جهان، چه در دوران باستان و چه در قرون وسطی و دوره معاصر از خلیج فارس به اسامی دریای فارس، خلیج فارس و یا خلیج العجم و امثال آن یاد کرده‌اند و جز آنها نامی نمی‌شناسند. مستندترین دلیل بر این ادعا آثار، کتاب‌ها و نقشه‌هایی است که از آنان بر جای مانده است.

دریای پارس در آغاز، بسیار پهناور و وسیع بوده به صورتی که قسمت بیشتر جلگه‌های برازجان، بهبهان و خوزستان تا کوه‌های زاگرس تا اواخر دوره سوم زمین شناسی در زیر آب بوده و رودهای دجله و فرات جداگانه به آن دریا وارد می‌شدند.

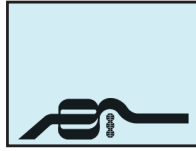
وسعت خلیج فارس در گذشته بیشتر و تقریباً دو برابر وسعت امروزی‌اش بوده که به مرور زمان از وسعت آن کاسته شده است. دریای پارس امروزه با وسعتی در حدود ۲۳۷۴۷۳ کیلومتر مربع (اندازه‌گیری شده توسط سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، سال ۱۳۸۶) پس از خلیج مکزیکو و خلیج هودسن سومین خلیج بزرگ جهان محسوب می‌شود.

ج) جغرافیای سیاسی

منطقه خلیج فارس شامل ۸ کشور کرانه‌ای است که به ترتیب عبارتند از: ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان. بیشترین ساحل به ایران تعلق دارد و بر اساس توافق دهه ۱۹۶۰ ایران و انگلیس، بیش از ۵۱ درصد خلیج فارس از آن ایران است (صغری، ۱۳۸۱: ۵۰). حکومت در میان کشورهای منطقه از تاریخ یکسانی برخوردار نمی‌باشد. در میان کشورهای منطقه، ایران طولانی‌ترین تاریخ را دارا می‌باشد. نوع حکومت در کشورهای عربی جنوب خلیج فارس پادشاهی و یا امارت است و تنها ایران و عراق هستند که دارای نظام جمهوری می‌باشند.

خلیج فارس از گذشته‌های دور و از جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی همواره مورد توجه بوده و امروزه نیز بر این اهمیت افزوده شده است. قدرت‌های بزرگ سیاسی و اقتصادی دنیا امروزه به این منطقه نگاه ویژه دارند که ناشی از نقش پر اهمیت این منطقه در معادلات اقتصادی و سیاسی جهانی است. حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس خود شاهدی بر این مدعا است. در حال حاضر میزان نفت تولیدی از حوزه خلیج فارس توسط ۶ کشور ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر که همگی عضو کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) هستند، بالغ بر ۲۸ درصد مجموع تولید جهانی است.

علاوه بر موضوع انرژی، منطقه خلیج فارس دارای مسائل دیگری چون کمبود آب و وجود اختلافات ارضی و مرزی در بین کشورهای منطقه می‌باشد. در حال حاضر اختلافات مرزی و ارضی یکی از عمده‌ترین مباحث بین کشورهای حوزه خلیج فارس است. بخش قابل توجهی از مرزهای بین‌المللی هم در خشکی و هم در دریا در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس تحدید حدود نشده‌اند و زمینه ساز چالش‌های سیاسی می‌باشند. مرزهای دریایی ایران با کشورهای عراق، کویت، امارات متحده عربی افزاز نشده



امارات متحده عربی تا سال ۱۹۹۳ طبق رویه کشورهای کویت و قطر عرض ۳ مایل را برای دریای سرزمینی اعمال کرد اما در این سال عرض آن را ۱۲ مایل اعلام نمود.

عمان قبل از ۱۹۷۰ هیچگونه ادعایی بر دریای سرزمینی خود نداشت ولی در سال ۱۹۷۲ عرض ۱۲ مایل دریایی را برای دریای سرزمینی خود اعلام کرد (عسگری، ۱۳۸۱: ۹۲).

وضعیت زیست محیطی خلیج فارس و عوامل مؤثر در آن

منطقه خلیج فارس و ویژه گستره آبی دریای پارس جزو مناطق حساس زیست محیطی دنیا به شمار می‌رود. در پیدایش چنین شرایطی دو گروه از عوامل طبیعی و انسانی نقش داشته‌اند. در هم آمیختگی این شرایط باعث شکنندگی بیشتر محیط زیست این دریا شده است. نقش انسانی در تشدید شرایط طبیعی خلیج فارس از عوامل غیر انسانی قوی‌تر است.

الف - عوامل طبیعی

اگرچه از نظر اکولوژیکی خلیج فارس جزو مناطق منحصراً به فرد است، اما شرایط حاکم بر این دریا نیز ویژه می‌باشد و می‌تواند به شدت نظام اکولوژیکی منطقه را برهم زند. ذخایر زیستی و اکوسیستمی خلیج فارس جزو ذخایر مهم و ارزشمند به شمار می‌رود. این دریا از لحاظ دارا بودن انواع گوناگون ماهی‌ها و جانوران دریائی به میزان فراوان در ردیف یکی از غنی‌ترین دریاهای جهان محسوب می‌شود. چنانکه ماهی و دیگر جانوران دریائی آن (مانند میگو و خرچنگ) یکی از اقلام صادراتی و تجاری کشورهای منطقه را تشکیل می‌دهد. جدا از آن مروارید و مرجان نیز از جمله دیگر ذخایر دریائی منطقه است که به ویژه مروارید خلیج فارس از قرن‌ها قبل شهرت جهانی داشته است.

ماهی‌های خلیج فارس از نظر تنوع و تعداد زیاد ماهی‌های خوراکی و صنعتی یک ثروت واقعی محسوب می‌شوند. ماهی‌های منطقه به ۲ دسته تقسیم می‌شوند:

۱- ماهی‌های خوراکی

۲- ماهی‌های غیر خوراکی که استفاده صنعتی، پزشکی و دارویی دارند. به طور کلی تنوع محیطی و زیستگاهی در حوزه خلیج فارس موجب حضور گونه‌های بسیار متنوعی از جوامع گیاهی و همچنین جوامع جانوری شده است.

در این میان تعدادی از گونه‌ها مورد حمایت و حفاظت جهانی قرار دارند و تعدادی از گونه‌ها نیز بومی منحصراً و شاخص خلیج فارس می‌باشند. گروه دیگری از جانوران به صورت مهاجر بوده و این منطقه را برای سپری نمودن تمام مراحل زندگی خود اختصاص داده‌اند (اسدی، ۱۳۸۵: ۴۸).

از جمله شرایط طبیعی حاکم بر خلیج فارس که محیط زیست آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند عبارتند از:

۱- ورود پساب‌های صنعتی و غیر صنعتی

۲- تخلیه نمک و املاح حاصل از شیرین کردن آب دریا

۳- تخلیه آب توازن نفتکش‌ها که همراه خود نفت خام را وارد دریا می‌کنند

که فلات قاره تا سواحل کشور دیگری بسط داشته باشد یا با کشور همجوار دیگری مشترک باشد، در صورت بروز اختلاف نسبت به حدود فلات قاره ایران اختلاف مزبور بر اساس انصاف حل خواهد شد و دولت برای حل این قبیل اختلافات احتمالی از طریق سیاسی اقدامات لازمه را خواهد نمود. دریای این اعلام دولت‌های عربی جنوب خلیج فارس از ایران تأسی جسته و هریک اعلامیه مشابهی منتشر کردند.

ایران از سال ۱۳۳۸، طبق ماده سوم قانون اصلاحی حدود آب‌های ساحلی گستره قلمرو دریایی خود را از شش مایل به دوازده مایل افزایش داد (مجتهد زاده، ۱۳۸۹: ۶۹).

عمان در سال ۱۹۸۱ منطقه انحصاری ماهیگیری خود را آب‌های مجاور اعلام کرد. حدود این منطقه همچنان نامعلوم بود. پس از تصویب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق بین‌الملل دریاها سلطان نشین عمان اقدام به تعیین حدود قلمرو دریایی خود کرد.

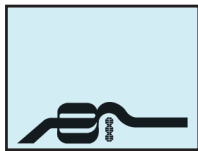
هشت دولت ساحلی خلیج فارس حداقل به ۱۶ مرز فلات قاره‌ای نیاز دارند. از این ۱۶ مرز فلات قاره‌ای هفت مورد، پس از مذاکره بنا به توافق تعیین شده‌اند که شش مورد از آن‌ها عبارتند از: بحرین - عربستان سعودی، ایران - بحرین، قطر - ایران، قطر - امارات متحده عربی (ابوظبی) و ایران - عمان. حداقل ده مرز فلات قاره‌ای دیگر به این شرح باید در منطقه نهایی شوند: ایران - امارات متحده عربی، عمان - امارات متحده عربی (یکی از مرزهای تعیین نشده این دو در خلیج فارس و دو تای دیگر در خلیج عمان و دریای عرب واقع شده‌اند)، قطر - عربستان سعودی (مورد دوحه السلوی)، عربستان سعودی - قطر (مورد خورالعیدید)، عربستان سعودی - ابوظبی (مورد خورالعیدید)، کویت - ایران (مورد مثلث طلایی) که مذاکره و توافق بر سر آن انجام شده است، کویت - عراق (مورد مثلث طلایی)، کویت - عربستان سعودی، ایران - عراق (مورد مثلث طلایی) بحرین - قطر (مورد جزایر حوار). مرزهای فلات قاره‌ای عمان - امارات متحده عربی به دلیل اختلافات مرزی زمینی در شبه جزیره مسندم میان عمان و امیرنشین‌های شارجه در خلیج عمان و رأس الخیمه در خلیج فارس، مشخص نشده‌اند (مجتهد زاده، ۱۳۸۰: ۸۹-۸۸).

کشورهای عرب کرانه‌ای خلیج فارس سال‌ها پس از ایران نسبت به اعمال حاکمیت بر قلمروهای دریایی خویش اقدام کردند. در نتیجه موضوع افراز مرز دریایی بین کشورها مطرح شد. تا نوامبر ۱۹۵۷ عراقی‌ها هیچگونه حقی را برای خود در خلیج فارس قائل نبودند و حداقل به طور رسمی بیان نکرده بودند ولی در نوامبر ۱۹۵۸ عرض دریای سرزمینی خود را ۱۲ مایل اعلام کردند.

کویت‌ها تا سال ۱۹۶۷ بطور رسمی عرض دریای سرزمینی کویت را اعلام نکردند اما در همین سال عرض آن ۱۲ مایل اعلام گردید.

عربستان سعودی از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۸ عرض ۶ مایل را برای دریای سرزمینی خود اعمال نمود ولی از این سال بر ۱۲ مایل تأکید کرد.

قطر به طور رسمی در سال ۱۹۷۴ از طریق وزارت خارجه خود اعمال حاکمیت به سواحل این کشور کرد اما اشاره‌ای به عرض دریای سرزمینی ننمود. ولی در سال ۱۹۹۲ مانند سایر کشورهای خلیج فارس عرض ۱۲ مایل را برای قلمرو دریای خود اعلام نمود.



و آهن آلات اسقاطی به عنوان دیگر عواملی نام برد که ورود این فاضلاب‌ها باعث ایجاد بار میکروبی بالا، تجمع فلزات سنگین، سموم کشاورزی در محیط‌های ساحلی می‌شوند.

هر سال بیش از ۱۰ میلیون تن انواع فاضلاب توسط کشورهای ساحلی در خلیج فارس رها می‌شود. این مسئله به خصوص در مناطق صنعتی و پتروشیمی بسیار برجسته است و فاضلاب شهری که به دریا می‌ریزد، مناطق حساس ساحلی از جمله مجتمع‌های مرجانی، جنگل‌های حرا، زیستگاه‌های ساحلی و دریائی را به تدریج نابود می‌کند. فاضلاب سرازیر شده به دریا همچنین باعث انقراض برخی آبزیان و گونه‌هایی که به ساحل وابسته هستند، می‌شود. همچنین تأثیر گذاری بر منابع آب و انرژی، معابر عمومی ساحل، تغییر کاربری زمین و چشم اندازهای محیط و تأثیر روی اجتماعات ساحلی و محلی را از دیگر پیامدهای هدایت نامناسب فاضلاب شهری به دریا و مناطق ساحلی می‌توان ذکر کرد.

عسلویه یکی از بی‌نظیرترین مناطقی است که تنوع زیست دریائی در آن وجود دارد اما پساب‌های خروجی در این منطقه آن را به یکی از آلوده‌ترین مناطق خلیج فارس تبدیل کرده است. فاضلاب صنعتی حاصل از فعالیت در سایت صنعتی عسلویه یکی از مهم‌ترین منابع آلاینده خلیج فارس در کرانه‌های شمالی است. (عسگری، ۱۳۸۷: ۷۰)

۳) آلودگی نفتی خلیج فارس

وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در این منطقه موجب شده تا فعالیت‌های حفاری، استخراج، پالایش، احداث تأسیسات نفتی، عملیات بارگیری و حمل توسط سوپر تانکرها گسترش یافته و آلودگی رو به افزایش را به محیط زیست دریائی تحمیل کنند. در حال حاضر تقریباً ۷۰ سکوی نفتی در خلیج فارس فعال هستند که آمارها نشان می‌دهد سهم قابل توجهی در آلودگی خلیج فارس دارند. به طور کلی ۱/۳ درصد میزان آلودگی نفتی جهان به این منطقه اختصاص دارد که این مقدار در واقع ۴۷ برابر میانگین مقداری است که برای این ناحیه در نظر گرفته شده است. در برخی مواقع به دلایلی نفت خام وارد دریا می‌شود و لکه‌های نفتی را پدید می‌آورد.

بزرگترین لکه نفتی که تاکنون در خلیج فارس دیده شده ۶۰۰ مایل مربع وسعت داشته که در ۶ بهمن ۱۳۶۹ و در زمان اخراج صدام از کویت روی آب پدید آمد. صدام برای تخریب بیشتر کویت، چاه‌های نفت آن را منفجر کرد و به همین دلیل میزان آلودگی خلیج فارس به ۴۸ برابر آلودگی آب‌های آزاد رسید. سواحل خلیج فارس نیز به واسطه لکه‌ها و لایه‌های نفتی چرب، ۱۰۰ مرتبه آلوده تر از سواحل سایر نقاط جهان گزارش شده است.

لکه‌های نفت روی آب باعث افزایش جذب نور آفتاب و افزایش درجه حرارت محیط و به هم خوردن روند فعل و انفعالات اکولوژیک و زیستی در محیط می‌شوند. چسبیدن لکه‌های نفتی به ریشه و ساقه گیاهان دریائی آنها را می‌خشکاند. فتوسنتز گیاهان آبی بر اثر قرار گرفتن لایه‌های نفت روی سطح آب متوقف شده، جانوران آبی به علت اینکه آبشش آنها با لایه‌ها و قطرات نفت پوشانده می‌شود، دچار اختلال شده و خفه می‌شوند (منافی، ۱۳۶۹: ۲۰۰).

۴- تبخیر بیش از میزان تغذیه و شوری بیش از میانگین معمول
۵- خصوصیت نیمه بسته بودن و تبادل و جابجایی اندک و ناچیز آب با اقیانوس هند از طریق تنگه هرمز و دریای عمان
۶- ورود آب گرم حاصل از خنک کردن نیروگاه‌ها (عسگری، ۱۳۸۷: ۷۰).

ب - شرایط انسانی

شرایط انسانی حاکم بر منطقه خلیج فارس و شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی متنوع و خیزش کشورهای ساحلی برای دستیابی به توسعه و رشد باعث گردیده محیط زیست خلیج فارس دچار آسیب‌های زیادی شود. در ایجاد وضعیت موجود دو گروه از نیازها و تقاضاها نقش داشته‌اند، بخشی از نیازها و تقاضاها منطقه‌ای بوده و مربوط به کشورهای ساحلی است و بخش دیگر به سایر کشورهای جهان که به انرژی نیاز مبرم دارند.

۱) آلودگی ناشی از جنگ‌ها

دریای پارس در دهه‌های اخیر شاهد چند جنگ ویرانگر بوده است. این جنگ‌های ویرانگر اثرات مخرب بسیاری در محیط زیست این دریا داشته‌اند. در این جنگ‌ها از انواع تسلیحات استفاده شده است. این مسئله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که بدانیم در برخی از این جنگ‌ها نوعی مسابقه تسلیحاتی وجود داشته و باعث ویرانی‌های ماندگار شده است. جنگ‌های منطقه فقط با استفاده از تسلیحات جنگی انجام نمی‌شد، بلکه تمامی امکانات در خدمت جنگ قرار می‌گرفت حتی از چاه‌های نفتی برای این منظور استفاده شد.

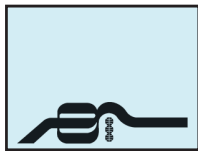
بزرگترین و زیان‌بارترین آلودگی‌های نفتی به هنگام وقوع جنگ است. جنگ عراق علیه ایران (۱۹۸۸-۱۹۸۰) مهم‌ترین حادثه زیست محیطی است که اثرات مستقیمی بر مناطق دریایی خلیج فارس داشت. انفجار چاه‌های نفتی نوروز در حوالی ساحل ایران و در نتیجه تخلیه حدود یک میلیون بشکه نفت خام طی مدت ۱۶ ماه به محیط دریا از نمونه‌های آن می‌باشد. به همین دلیل انفجار چاه‌های نوروز رکورد طولانی‌ترین حادثه نفتی در منطقه را بر جای گذاشت.

همچنین طی جنگ عراق- کویت (۱۹۹۱) حدود ۶ تا ۸ میلیون بشکه نفت در منطقه دریایی خلیج فارس تخلیه گردید. از بین رفتن بسیاری از ماهی‌ها و آبزیان و نیز تخریب تأسیسات و زیستگاه‌های ساحلی پرده دیگری از سوانح جنگ ۱۹۹۹ را تشکیل داد و اثرات زیست محیطی بزرگ و زیان آوری بر جو و اکوسیستم‌های خاکی و دریایی اطراف برجای گذاشت.

در محیط دریا مواد باقی مانده از انفجارات قبلی، گلوله‌های عمل نکرده و سایر مواد تسلیحاتی باعث آلودگی محیط دریا شده است. در مواردی که انفجارها از شدت بالاتری برخوردار بوده باعث شده آسیب زیادی به اکوسیستم دریائی و فرم ساحل وارد گردد.

۲) آلودگی ناشی از تخلیه فاضلاب‌ها

از برجسته‌ترین عوامل انسانی دیگری که باعث ایجاد آلودگی است می‌توان از تخلیه فاضلاب و زباله سکونت‌گاه‌های شهری و روستائی و پسماندهای کشاورزی به همراه سایر آلودگی‌ها از جمله آب گرم خروجی از صنایع، مقادیر زیادی فوم، آزیست، روغن‌های سوخته، لاستیک‌های فرسوده



۶۰ درجه سانتی گراد دارند. دمای میانگین اطراف خروجی تلخاب‌ها همواره بالاتر از ۳۰ درجه است. این شوک حرارتی همه آبزیان را تا سر حد انقراض پیش می‌برد (روزنامه جام جم، ۱۳۹۰: شماره ۳۳۴۶).

۶) تغییرات ساحل

فعالیت‌های انسانی علاوه بر آلودگی باعث تغییر شکل در ظاهر سواحل نیز گردیده است. یکی از پدیده‌های مخربی که در سال‌های نزدیک در کشورهای عرب خلیج فارس آغاز شده، احداث جزایر مصنوعی مسکونی و تفریحی و همچنین پر کردن دریا و اضافه کردن سرزمین است که در امارات متحده عربی، قطر، کویت و بحرین به صورت گسترده‌ای مشاهده می‌شود (احمدی، ۱۳۸۱: ۵۵، ۵۳).

ساخت این جزایر که در آغاز قرن ۲۱ برای اولین بار توسط دولت امارات متحده عربی تحت عنوان پروژه نخل با شعار مکانی بی‌نقص برای دور شدن از دنیا قطعاً سود کلانی را برای بانیان آن در بر داشت، تخریب زیست محیطی گسترده‌ای را باعث گردید.

امارات متحده برنامه ساخت ۳۰۰ جزیره مصنوعی دیگر در سواحل این کشور را در برنامه خود دارد که وضعیت محیط زیست خلیج فارس را پیچیده‌تر خواهد کرد. برای ساخت هر جزیره باید فیزیک ساحل و دریا در جایی که جزیره ساخته می‌شود دگرگون شود ضمن اینکه اکوسیستم‌های دریایی نیز از بین خواهند رفت.

اما عواقب اولیه این دست‌کاری آشکار در طبیعت ساحل دریا عبارت‌اند از:

۱. تنها ساحل مرجانی شناخته شده در دبی، در طی این عملیات از بین رفت،
۲. آشیانه‌های ساحلی لاک پشت‌های دریایی (گونه خاص منطقه خلیج فارس) ویران شد،

۳. جریان‌های طبیعی آب تغییر مسیر داده‌اند،

۴. گل و لای حاصل از کار، آب‌های شفاف و شیشه‌ای را به شکل لجن زار در محدوده این جزایر مصنوعی در آورده است که در حال پیشروی است. در حالی که کشورهای ساحلی خلیج فارس، هنوز واکنش موثری در این رابطه نداشته‌اند و همچنین تاکنون اقدامات جدی و باز دارنده‌ای در این رابطه از سوی هیچ یک از کشورها به طور گروهی و یک جانبه انجام نشده است (آزاد بخت، ارمغان، ۱۳۸۱: ۱۷۲ و ۱۷۳).

همچنین باید به برداشت شن از دریا و تخریب آن اشاره کرد که هر ساله میلیون‌ها تن شن از دریا برای مقاصد ساختمانی برداشت می‌شود.

با توجه به شرایط آسیب‌پذیر خلیج فارس و دخالت‌های مکرر انسان و صید بی‌رویه و سود جویی آنها شرایط زیست محیطی جانوران و آبزیان خلیج فارس را با مشکلات فراوانی روبه رو کرده است. بیشترین اثرات آلودگی نفتی روی جوامع گیاهی کف دریا و جزایر مرجانی که خود محل مناسبی برای تکثیر و لانه‌گذاری ماهیان و رشد لارو آنهاست، گذاشته می‌شود. از بین رفتن جوامع گیاهی در اثر آلودگی‌های نفتی در خلیج فارس باعث کاهش جمعیت جانوران تغذیه کننده از گیاهان از قبیل مرجان‌ها و دلفین‌ها و لاک‌پشت‌های دریایی می‌شود (منافی، ۱۳۶۷: ۶۰۰).

۴) آلودگی حاصل از تردد کشتی‌ها و اثرات آنها

سالانه بیش از ۱۰ هزار شناور در این منطقه تردد دارند که بیش از ۷۵ درصد آن‌ها به حمل و نقل نفت و محصولات نفتی می‌پردازند و فعالیت آنها نیز حائز اهمیت است. چرا که به دلیل حجم بالای تردد کشتی‌ها، بخصوص نفتکش‌های عظیم و تخلیه آب بالانس کشتی‌ها که حدود ۳۸ درصد آب بالانس نفتکش‌ها دارای نفت خام می‌باشد، یکی دیگر از انواع آلودگی‌ها که حیات دریایی خلیج فارس را تهدید می‌کند، به وجود می‌آید.

همچنین استفاده از رنگ‌های دریایی، به دلیل خوردگی شدید سازه‌های ثابت و شناور ناشی از وجود انواع املاح در آب دریاچه‌ها، دریاها و اقیانوس‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است و لزوم توجه به ساختار این رنگ‌ها و پوشش‌ها چه از نظر مقاومت در برابر خوردگی و چه از نظر زیست محیطی اهمیت دارد.

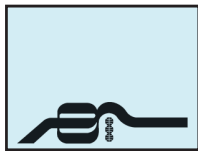
استفاده از انواع زیست‌کش‌ها یکی از ابزارهای موجود برای رفع این مشکل است، اما همین مواد به دلیل حمله به موجودات زنده و جذب به وسیله نسوج بدن آنها در پاره‌ای از موارد می‌تواند به آسیب‌های جسمی، بخصوص در نسل‌های بعدی و انتقال به موجودات بزرگتر دریایی از طریق چرخه زیستی و در انتها ایجاد اثرات جانبی در انسان‌ها منتهی شود.

مهم‌ترین چالش و نگرانی جدید درباره محیط زیست خلیج فارس حضور کشتی‌های جنگی و ناوهای اتمی است. تاکنون شاهد برخورد تصادفی کشتی‌های جنگی و برخورد جنگی و تمام عیار با استفاده از ابزار کامل نظامی بوده‌ایم. چه در برخوردها کشتی‌ها و تجهیزات اتمی متلاشی شوند باعث آلودگی دریا شده و بیش از ۶۰ کارخانه آب شیرین کن خلیج فارس که آن‌ها هم البته برای سلامت محیط مضر هستند غیر قابل استفاده و موجب پیدایش بحران کمبود آب در منطقه می‌شود.

۵) آلودگی‌های زیست محیطی دستگاه‌های آب شیرین‌کن

از میان ۱۰۰ آب شیرین‌کن بزرگ دنیا (تا سال ۲۰۰۹ میلادی) ۸۶ مورد در خاورمیانه و از این تعداد ۹۰ درصد در حاشیه خلیج فارس قرار دارد. به بیان دیگر ۶۰ درصد همه آب شیرین‌کن‌های دنیا در خاورمیانه قرار دارند. یکی از مشکلات این دستگاه‌ها این است که مدرن‌ترین آب شیرین‌کن‌ها بهره ۵۰ درصدی دارند، یعنی نیمی از آبی را که می‌گیرند به آب شیرین تبدیل کرده و مابقی به صورت تلخاب وارد دریا می‌شود. میزان املاح و فلزات سنگین موجود در تلخاب حدود ۶۴ تا ۷۰ ppt قسمت در هزار است. این یعنی دو برابر آب دریا. بر اثر فعالیت دستگاه‌های آب شیرین‌کن روزانه بیش از یک میلیون و دویست هزار متر مکعب تلخاب به خلیج فارس وارد می‌شود.

خلیج فارس به دلیل شرایط طبیعی‌اش از سرعت بالای گردش کامل آب برخوردار نیست. برای این که سیکل آب خلیج فارس بتواند یکبار گردش کامل داشته و آلودگی‌ها را از خلیج فارس بیرون ببرد، ۴ سال زمان لازم است. از طرفی دمای میانگین دریاهای آزاد زیر ۲۵ درجه است. این دما برای رشد و زندگی همه انواع آبزیان حیاتی است و تغییر آن موجب انقراض شان می‌شود. این مسئله در حالی است که بدانیم تلخاب‌ها، دمایی حدود ۱۸ تا



(روزنامه رسمی کشور، ۱۳۸۹: شماره ۱۸۹۷۶)

خلیج فارس و کنوانسیون منطقه‌ای کویت

دولت‌های عضو کنوانسیون کویت متعهد می‌شوند که در محدوده دریائی که در شمول جغرافیایی کنوانسیون است اقدام به جلوگیری و یا کاستن از آلودگی محیط زیست بنمایند.

خلیج فارس و کنوانسیون‌های کویت و حقوق بین الملل دریائی ۱۹۸۲ نخستین باری که خلیج فارس از منظر حقوقی مورد بررسی قرار گرفت، در سال ۱۹۲۵ در کنفرانس تجارت اسلحه در ژنو بود. کمیته ویژه حقوقدانان در پاسخ به سؤال کنفرانس در ارتباط با وضعیت جاری خلیج فارس از دیدگاه حقوق بین الملل اظهار داشته بود که خلیج فارس از نظر حقوق بین الملل یک دریای آزاد است، این پاسخ کاملاً در راستای خواست و منافع قدرت‌های بزرگ بود (کاظمی، ۱۳۷۴: ۲).

درخصوص حفاظت منطقه خلیج فارس ابزارهای حقوقی قابل توجهی وجود دارد که مهم‌ترین آن کنوانسیون کویت ۱۹۷۸ است. این کنوانسیون یک سند حقوقی با تعهدات متقابل است که مقررات آن از جهت وسعت جامع و همه منابع آلودگی را تحت پوشش قرار می‌دهد. حتی این کنوانسیون به پرداخت خسارت زیست محیطی به عنوان یک اصل کلی اشاره کرده است. کشورهای حوزه خلیج فارس و اعضای کنوانسیون کویت از نظر حقوق بین الملل الزام دارند که از ایجاد خسارت و آلودگی زیست محیطی فرامرزی خودداری کنند و در صورت وقوع خسارت زیست محیطی جبران خسارت کنند.

این کنوانسیون دولت‌های منطقه را موظف می‌کند در سطوح ملی و منطقه‌ای تصمیمات مقتضی را در جهت حفاظت از محیط زیست دریا در برابر منابع آلودگی متعدد اتخاذ کنند. اما با وجود گذشت حدود ۳۰ سال از این پیمان منطقه‌ای با این که امید آن می‌رفت همکاری کشورهای ساحلی با یکدیگر و با نهادهای بین المللی برای رفع مشکلات زیست محیطی این منطقه ارزشمند افزایش یابد، اما هنوز شاهد آسیب‌های جبران‌ناپذیر زیست محیطی و اقتصادی در این پیکره آبی منحصربه فرد جهان هستیم.

اگرچه این کنوانسیون به همراه پروتکل‌های الحاقی آن نمادی از اراده جمعی برای مواجهه و حل مسأله محیط زیست است و توانسته تا حدی در مدیریت محیط زیست منطقه مؤثر باشد، اما به نظر می‌رسد عدم تحقق کامل اهداف آن که در چهره فعلی منطقه مشهود است، می‌تواند فجایع زیست محیطی غیرقابل جبرانی به دنبال داشته باشد که ضرورت بازنگری دقیق تر آن را توجیه می‌کند.

از سال ۱۹۲۵ تا پایان کنفرانس سوم حقوق بین الملل دریاها در ۱۹۸۲ اگر چه تعابیر و مباحثی در خصوص رژیم حقوقی دریاهای نیمه بسته چون خلیج فارس مطرح گردید، اما هیچ یک از این مباحث رویه حقوقی و بین المللی به خود نگرفت. با تلاش‌های کشورهای ایران و عراق و برخی دیگر از کشورهای واقع در دریاهای حاشیه اقیانوس‌ها، کنفرانس دوم حقوق دریاها اقدام به تعریف دریای نیمه بسته کرد. ماده ۱۲۲ کنوانسیون حقوق بین الملل دریاها در این خصوص آورده است: از نظر این کنوانسیون دریای بسته و نیمه بسته به معنای خلیج، حوضه روخانه و یا دریایی است که به وسیله دو یا چند دولت احاطه و توسط یک معبر باریک به دریای دیگر یا

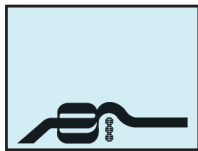
به دلیل حاکمیت شرایط ویژه زیست محیطی به خلیج فارس، دفتر برنامه محیط زیست سازمان ملل (UNEP) در سال ۱۹۷۴ اعلام کرد که امکانات علمی و فنی خود را در اختیار کشورهای ساحلی خلیج فارس می‌گذارد. اولین نشست کنوانسیون منطقه‌ای پس از فراهم آمدن مقدمات، در سال ۱۹۷۸ انجام شد و با عنوان سازمان منطقه‌ای حفاظت از محیط زیست دریایی (R.O.P.M.E) یا کنوانسیون کویت مورد شناسایی قرار گرفت.

این کنوانسیون، سند قانونی است که کشورهای حوزه خلیج فارس و دریای عمان شامل ایران، عراق، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی، بحرین و امارات عربی متحده در آن متعهد شده‌اند کوشش‌های خود را برای حفاظت از محیط زیست دریایی مشترکشان بکار ببندند. کنوانسیون مذکور دارای ۳۰ ماده بوده و با هدف تعیین وظایف اعضا برای حفاظت و حمایت از محیط زیست دریایی خلیج فارس و دریای عمان تدوین شده که همواره در معرض تهدید آلودگی ناشی از دریا و حمل و نقل دریایی می‌باشند. در این کنوانسیون از کشورهای عضو خواسته شده که فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خود را در سرزمین‌های خویش طوری تنظیم کنند که موجبات آلودگی محیط زیست دریایی حوزه را فراهم نکند.

پنج منبع آلودگی که مورد شناسایی کنوانسیون کویت قرار گرفته عبارتند از: آلودگی ناشی از تردد کشتی‌ها، آلودگی ناشی از تخلیه مواد زائد از کشتی و هواپیما، آلودگی واقع در خشکی، آلودگی ناشی از اکتشاف و بهره‌برداری از منابع بستر و زیر بستر دریا و سرانجام آلودگی ناشی از سایر فعالیت‌های انسان. تأکید بر این منابع آلودگی از جمله ویژگی‌های کنوانسیون کویت در مقایسه با دیگر کنوانسیون‌هایی است که تاکنون برای حراست از دریاهای منطقه‌ای تنظیم شده است. آلودگی‌ای که بیشتر مدنظر است آلودگی ناشی از بهره‌برداری از شن و ماسه برای شهرسازی و دیگر فعالیت‌های صنعتی از جمله ایجاد کارخانه‌های آب شیرین‌کن است، بطوریکه فعالیت‌های مذکور منجر به مختل کردن تولید میگو در خلیج کویت و آب‌های مجاور بحرین شده است. برای مقابله با این منابع آلودگی دول عضو کنوانسیون متعهد می‌شوند که تنها و یا به صورت مشترک کلیه اقدامات لازم را اتخاذ و با یکدیگر همکاری کنند.

کنوانسیون کویت برای حفاظت از محیط زیست خلیج فارس اهدافی را مد نظر قرار داده که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- ۱- جلوگیری و کاهش آلودگی محیط زیست دریایی و مبارزه با آلودگی در منطقه دریایی (خلیج فارس و دریای عمان).
- ۲- همکاری در زمینه حمایت از محیط زیست دریایی در برابر آلودگی نفتی و سایر مواد مضر ناشی از فعالیت‌های انسان در خشکی یا دریا.
- ۳- حصول اطمینان از اینکه جریان‌ات توسعه صنعتی به هیچ وجه به محیط زیست دریایی منطقه آسیب نرساند و منابع زنده آن و سلامت انسانی را به خطر نیاندازند.
- ۴- لزوم اتخاذ یک روش مدیریت جامع در مورد استفاده از محیط زیست دریایی و نواحی ساحلی.
- ۵- توسعه همکاری‌های منطقه‌ای با هدف حمایت از محیط زیست دریایی



بسیار حساس‌اند و با کوچکترین محرکی تحت تأثیر قرار می‌گیرند برای همین آلودگی‌های ساحلی باید از بین برود.

۲) مرگ دلفین‌ها

پنج تا هفت گونه دلفین در خلیج فارس وجود دارد و به طور کلی بیش از صد هزار دلفین در خلیج فارس و دریای عمان زندگی می‌کنند. در پاییز ۱۳۸۶ در طول یک ماه بیش از ۱۵۰ دلفین جان خود را از دست دادند که متخصصان نتوانستند به طور یقین علت مرگ دلفین‌ها را مشخص کنند. اما احتمال می‌رود آلودگی‌های صوتی و زیست‌محیطی دلیل اصلی این مرگ و میر باشد.

۳) مرگ لاک‌پشت‌ها

عمده سواحلی که در خلیج فارس لاک‌پشت‌ها را در خود پرورش می‌دهند عبارت‌اند از: جزایر لاوان، قشم و لارک و برخی از سواحل جنوبی. اما امروزه زیستگاه‌های موجود در خشکی که لاک‌پشت‌ها، بخصوص هنگام تخم‌ریزی به آنها مراجعه می‌کنند مورد تهدید و تخریب انسانی قرار گرفته‌اند.

سواحل شمالی کیش در گذشته یکی از زیستگاه‌های مهم لاک‌پشت‌های دریایی بوده اما در حال حاضر تأسیس بندرگاه و موج‌شکن‌ها باعث مهاجرت لاک‌پشت‌ها و یا فرار آنان از منطقه گردیده است. در تمام ساحل خلیج فارس کمتر نقطه خالی از زباله مشاهده می‌شود. وجود پلاستیک‌های شفاف در سطح دریا باعث می‌شود لاک‌پشت‌ها به اشتباه آنها را بلعیده و در اثر انسداد معده از بین بروند. لاک‌پشت‌های ماده هنگام قرار گرفتن در ساحل که به لکه‌های نفتی آلوده است دچار مسمومیت می‌شوند یا اینکه بر اثر بخارات و گازهای به دست آمده از محیط فاصله گرفته و تخم‌ریزی نمی‌کنند و متأسفانه نسل این حیوان در معرض انقراض قرار می‌گیرد. گونه‌های زیستی دیگر نیز از تخریب‌های ایجاد شده در امان نیستند. به بیان بهتر تخریب محیط زیست دریا حیات موجودات این گستره آبی را مورد حمله قرار داده است.

در مقایسه با دیگر منابع آلودگی، جامعه بین‌المللی توجه کمتری نسبت به آلودگی ناشی از اکتشاف و استخراج منابع فلات قاره مبذول داشته و تاکنون کنوانسیون‌ها در این خصوص تنظیم نشده و صرفاً برخی از کنوانسیون‌های جهانی و منطقه‌ای که به دیگر منابع آلودگی اختصاص داده شده حاوی مقررات کلی در زمینه آلودگی ناشی از اکتشاف و استخراج منابع فلات قاره است.

آنچه از مواد کنوانسیون کویت استنباط می‌شود کشورهای عضو متعهد شده‌اند تا برای حفظ محیط زیست دریای پارس ضمن انجام اقدامات عملی در کاستن از فعالیت‌های مخرب محیط زیست از ظرفیت‌های خود جهت همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در جهت حفاظت از محیط زیست خلیج فارس بهره بگیرند.

از طرفی کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق بین‌الملل دریایی نیز با تعیین ماهیت حقوقی و جغرافیایی این گستره آبی تا حد بسیار زیادی رویه عمل کشورهای

اقیانوس مرتبط شده باشد ضمن اینکه به طور کامل و یا به طور عمده شامل دریاهای سرزمینی و مناطق انحصاری اقتصادی دو یا چند دولت ساحلی است (آقایی، ۱۳۶۷: ۲۷۱).

خلیج فارس به علت ساختار طبیعی و مورفولوژیکی خود فلات قاره یک پارچه‌ای را به وجود آورده، از لحاظ جغرافیایی و از دیدگاه حقوق بین‌الملل دریاهای فلات قاره دارای دو تعریف مشخص می‌باشد. از لحاظ جغرافیایی، تمام خشکی‌های روی زمین توسط حاشیه‌ای در ژرفای کم زیر آب پهنای متوسط حدود ۱۶۰ کیلومتر احاطه شده که شیب این حاشیه در ابتدا کم و بتدریج زیاد می‌شود تا جایی که شیب یکباره زیاد شده و به صورت سکو به کف دریا می‌پیوندد. لبه خارجی این سکو غالباً در ژرفای ۲۰۰ مایل براساس ماده ۷۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق بین‌الملل دریاهای ظاهر می‌شود که به آن فلات قاره یا سکوی ساحلی می‌گویند. اما بنابراین هم از لحاظ جغرافیایی و هم از لحاظ حقوق بین‌الملل دریاهای خلیج فارس به علت عمق کم و پهنای بین ۲۰۰ تا ۳۶۰ کیلومتر، به طور کلی بر روی یک فلات قاره قرار گرفته و لبه سکو در تنگه هرمز نمایان می‌گردد (میرحیدر، عسگری، ۱۳۸۲: ۱۰۲-۹۹).

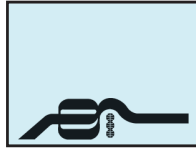
از سال ۱۹۲۵ که خلیج فارس به عنوان یک دریای آزاد معرفی شد، در خصوص فلات قاره خلیج فارس ۲ نوع عملکرد به وجود آمد: نوع ایرانی آن که بستر خلیج فارس را فلات قاره می‌داند و این موضوع در قوانین دریایی آن مشهود است و دیگری عملکرد اعراب است. کشورهای عرب کرانه‌ای از کاربرد مفهوم فلات قاره در اعلامیه‌های خود در خصوص قلمروهای دریایی شان در خلیج فارس خودداری کرده‌اند. این کشورها معتقدند که بستر دریا براساس اصول عادلانه و توافق طرفین باید تقسیم گردد. در بحث تحدید حدود مناطق دریایی در خلیج فارس نکته‌ای وجود دارد و آن اینکه کشورهای ساحلی مقرراتی را برای منطقه انحصاری - اقتصادی تدوین ننموده‌اند.

نتیجه‌گیری

وضعیت زیستی خلیج فارس حاصل فرایندهای طبیعی است که در دهه‌های اخیر به دلیل فعالیت‌های مخرب نوع بشر تشدید شده و به مرور به سوی بحران زیست محیطی پیش می‌رود. این مسئله به قدری وضعیت نگران‌کننده به خود گرفته که شاهد بروز نا به‌هنجاری زیستی و اکوسیستمی در این گستره آبی هستیم. منابع آلاینده محیط زیست دریای پارس بسیار متنوع هستند اما فعالیت‌های نفتی از مهمترین آنها می‌باشد. مهمترین پیامدهای اقدامات مخرب محیط زیست در خلیج فارس در محیط دریا عبارتند از:

۱) مرگ مرجان‌ها

مرجان دریایی نقش بسزایی در اکوسیستم دریایی دارد. مرجان‌ها منبع غذایی بسیار مهمی برای آبزیان محسوب می‌شوند و به علت وجود منابع غذایی مناسب در لابه‌لای آب سنگ‌های مرجانی، این توده‌ها برای ماهی‌های زینتی که ارزش زیادی دارند از اهمیت فراوانی برخوردار است. آلودگی آب در منطقه موجب مرگ و میر مرجان‌ها شده است. آب سنگ‌های مرجانی



۱۳. مستوفی، احمد؛ ۱۳۴۱، خلیج فارس ساختمان و پیدایش آن، جلد اول.
 ۱۴. منافی، هادی، ۱۳۶۷، حفاظت محیط زیست، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، انتشارات وزارت امور خارجه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
 ۱۵. میرحیدر، دره؛ عسگری، سهراب؛ ۱۳۸۲، فلات قاره ایران در خلیج فارس، چشم انداز ژئوپلیتیک انرژی، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۴.
 16. Cordsman, Anthony H, 1999, the Middle East and Geopolitics of Energy: A Graphic Analysis, part one, CSIS, Washington DC.

ساحلی را مشخص کرده است. اما آنچه اکنون شاهد آن هستیم فراموشی تعهد کشورهای ساحلی به مقوله بسیار حیاتی محیط زیست خلیج فارس می‌باشد.

محیط زیست خلیج فارس هم به لحاظ اهمیت و هم منافع کشورهای ساحلی به موضوعی ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. با این وجود به نظر می‌رسد هنوز کشورهای ساحلی به درجه قابل قبولی از اهمیت مسئله محیط زیست خلیج فارس نرسیده‌اند. اگر چه در صورتی که به چنین درجه‌ای از دریافت رسیده بودند نیز اقدامات عملی و سازنده‌ای انجام نمی‌دادند. وضعیت کلی زیست محیطی خلیج فارس با وجود کنوانسیون کویت و کنوانسیون حقوق دریایی و همچنین مقررات ملی که توسط کشورهای ساحلی به تصویب رسیده در شرایط نگران کننده‌ای قرار دارد و اگر به همین منوال ادامه یابد در آینده‌ای نه چندان دور این گستره نیلگون به مردابی بد بو و آزار دهنده تبدیل خواهد شد و موجب آزار ساحل نشینانش خواهد گردید.

منابع و مأخذ

۱. آزادبخت، بهرام؛ ارمغان، سیمین، ۱۳۸۸، جغرافیای خلیج فارس، ناشر آبیژ، چاپ اول.
۲. آقایی، بهمن؛ ۱۳۶۷، بررسی آثار حقوقی خلیج فارس به عنوان دریای نیمه بسته، نشریه سیاست خارجی، شماره ۲.
۳. احمدی، سید محمد؛ ۱۳۸۸، حفاظت از محیط زیست خلیج فارس محوری برای همکاری‌های منطقه‌ای، ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۲۳۸، انتشارات وزارت امور خارجه.
۴. اسدی، بیژن؛ ۱۳۸۵، خلیج فارس و مسایل آن، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۵. روزنامه جام جم، بیست و چهارم بهمن، ۱۳۹۰، ۳۳۴۶.
۶. روزنامه رسمی کشور، سه شنبه، هفتم اردیبهشت، ۱۳۸۹، ۱۸۹۷۶.
۷. عسگری، سهراب؛ ۱۳۸۱، ژئوپلیتیک قلمروهای دریایی ایران در خلیج فارس، رساله برای اخذ دکتری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
۸. عسگری، سهراب؛ ۱۳۸۷، محیط زیست خلیج فارس رویکردی پراهمیت در ژئوپلیتیک منطقه، نشریه علمی فنی سازمان جغرافیایی سپهر، شماره ۶۸.
۹. کاظمی، علی اصغر؛ ۱۳۷۴، ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
۱۰. مجتهدزاده، پیروز؛ ۱۳۸۰، امنیت و مسائل سرزمینی در خلیج فارس، ترجمه امیر مسعود اجتهادی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۱. مجتهدزاده، پیروز؛ ۱۳۸۳، جغرافیای تاریخی خلیج فارس، نام خلیج فارس در درازای تاریخ، نشر سایه روشن، چاپ اول.
۱۲. مجتهدزاده، پیروز؛ ۱۳۸۹، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چاپ هفتم.